

دانلود مقاله ماهیت و حکم «شرکت در انتخابات» از منظر فقه سیاسی اسلام

جهت مشاهده [دانلود مقاله ماهیت و حکم «شرکت در انتخابات» از منظر فقه سیاسی اسلام](#) به پایین همین

صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 26 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



مقدمه

یکی از عوامل حفظ و تقویت نظام سیاسی در هر کشور، مشارکت «سیاسی» مردم در اعمال حاکمیت است. از برجسته‌ترین و بارزترین وجوه مشارکت سیاسی مردم، شرکت آنها در «انتخابات» گوناگونی است که در کشور برگزار میشود. انتخابات در حکومت‌های مردمی برای تعیین سرنوشت مردم، نهادینه میشود و از لحاظ سیاسی به هر میزان تعداد شرکتکنندگان در انتخابات بیشتر باشد، نشان از مقبولیت و یا مشروعیت بالاتر حکومت و هیئت حاکمه بوده و جایگاه بین‌المللی آن کشور را در عرصه جهانی، ارتقاء و استحکام می‌بخشد. بر همین اساس، در جمهوری اسلامی ایران یکی از اموری که همواره، مورد تأکید رهبران دینی و سیاسی بوده و هست، دعوت آحاد مردم به حضور در انتخابات است.

تا کنون درباره نقش و جایگاه مردم در نظام سیاسی دینی و حکومت اسلامی، نظریه‌پردازها و مباحث مختلف و متعددی صورت گرفته است. اینکه مردم، مشروعیت‌دهنده حاکمیت سیاسی در جامعه هستند یا صرفاً قبول آنها بسترساز اعمال حاکمیت دینی است از مهمترین نظریه‌ها و دستاوردهای این مباحث است که هر یک در میان اندیشمندان، مخالفان و موافقانی دارد. بحث در مورد این نظریات و بررسی ادله هر یک، مجال مستقل و وسیعی می‌طلبد؛ همچنانکه تا کنون تحقیقات گسترده‌ای در این باره انجام پذیرفته است.^۱

این مقاله بر این پیش فرض استوار است که مردم در حکومت اسلامی نسبت به فراهمسازی زمینه اعمال حاکمیت و تشکیل حکومت، نقش محوری دارند و قبول آنها به طور جزءالعله، شرط تحقق ولایت ولی یا حاکم است، اما مشروعیت نظام و قدرت سیاسی حاکم، منشأ الهی دارد. ۲. به عبارت دیگر، «نصب به ولایت، فقط حق خداوند متعال است. در این حقیقت، نه اشکالی هست و نه مجالی برای مناقشه؛ نه احدی حق دارد بدون اذن خداوند متعال ولایت خود را بر دیگران تحمیل کند و نه مردم میتوانند کسی را برای این منصب انتخاب کنند» (آصفی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹؛ سبحانی، ۱۳۷۰،

ص ۲۱۶؛ جوادى آملی، ۱۳۸۳، ص. ۸۳) در بیان برخی اندیشمندان، کاربست ویژه رأی اکثریت در نظام اسلامی «تشخیص و کشف حق» است، نه «تثبیت و تولید حق» (جوادى آملی، ۱۳۸۳، ص. ۹۱) این امر، علاوه بر آنکه بر ادله فراوان شرعی از جمله اصل توحید، مبتنی است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مورد پذیرش واقع شده است. به موجب اصل «پنجاه و هفتم» این قانون:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمیتواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقي که در اصول بعد میآید اعمال میکند.

مطابق این اصل، انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم شده و حاکمیت او در طول حاکمیت الهی قرار گرفته است. پذیرش این نوع حاکمیت طولی الهی - انسانی که در نوع خود در میان قوانین اساسی کشورها - حتی کشورهای اسلامی - نیز بینظیر است، برگرفته از تعالیم قرآنی است ۳ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۱۴۶-۱۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص. ۳۱۴) زمخشری «نیز در «الکشاف» به صراحت تغییر سرنوشت انسانها را به تغییر حاکمی که امور آنها را ولایت کند تفسیر کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۵۱۷) مطابق این سنت قرآنی، اگر انسانها از درون، خود را تغییر دهند و با هدایت تقوای درونی به سوی تشکیل دولت احسن و انتخاب دولتمردان شایسته گام بردارند، خداوند نیز آنها را در این مسیر کمک کرده و به سوی والیان مورد تأیید خود رهنمون میسازد و از رکون آنها به سوی ظالمان باز میدارد.

انتخابات که از دیرباز، کانون توجه حکما و حقوقدانان بوده است و روز به روز به سوی پیشرفت و ترقی گام برداشته، اوج شکل گیری مشارکتهای مردم از زمان طرح پدیده دموکراسی بوده است؛ به طوری که همکنون به شکلهای مختلف و در سطوح متفاوت، از سوی همه کشورهای دنیا پذیرفته شده و در قوانین اساسی کشورها راه یافته است و از اصول و شاخص های اساسی جمهوریت نظام سیاسی

یاردکان افضلیملک محسن / اسلام سیاسی فقه منظر از «انتخابات در شرکت» حکم و ماهیت

۸۵

۶۶ پیاپی / چهارم شماره / دهمهف سال

۸۶

حاکم، محسوب میگردد. بر حسب پیشبینی قوانین اساسی کشورها، انتخابات به عنوان یک «حق» یا «تکلیف» همه شهروندان واجد شرایط، گاهی به طور مستقیم و گاهی به طور غیر مستقیم در اعطای قدرت و مسؤولیت به هیئت حاکمه، ایفای نقش می کند؛ به گونه ای که در حکومتهای جمهوری، هیچ مقامی نیست که به طور مستقیم یا غیر مستقیم این گونه روی کار نیامده باشد و در مقابل مردم یا نمایندگان آنها پاسخگو نباشد. ۴

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مسأله فراگیری انتخابات به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی پس از نظام پادشاهی، مورد توجه قانونگذار اساسی بوده و آن را به عنوان یکی از اهرمهای مشارکت سیاسی مردم و حضور ایشان در تعیین سرنوشت سیاسیشان در چندین اصل از اصول قانون اساسی، مورد توجه قرار داده است. پایهگذاری این مهم در اصل «ششم» قانون اساسی اینگونه بیان شده است که:

در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همپرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون، معین میگردد.

بدیهی است نگاه قانونگذار در این اصل به انتخاباتی بوده است که مردم به طور مستقیم در آن شرکت کرده و افراد اشاره شده را انتخاب میکنند. در انتخاب سایر مقامات و مسؤولان کشور نیز مردم به طور غیر مستقیم به ایفای نقش می پردازند؛ مانند انتخاب رهبر توسط نمایندگان مردم در مجلس خبرگان، انتخاب رئیس قوه قضائیه و اعضای فقیه شورای نگهبان از سوی رهبر منتخب خبرگان و بر همین منوال، سایر بخشهای حکومتی که جای بحث از آن در این مجال نمیگنجد.

صرف نظر از مباحث حقوقی پیرامون انتخابات از نظر شرعی نیز این موضوع، همواره مورد بحث و گفت و گو بوده و هست و نظرات متفاوتی در مورد آن بیان شده است. به عنوان مثال یکی از صاحب نظران در مورد وجه شرعی انتخاب رهبر گفته است:

از آنجا که دلیلی بر نصب و تعیین خاص از جانب خداوند متعال و اولیای

معصوم در عصر غیبت به ما نرسیده، مطمئن میشویم که شارع مقدس، امر انتخاب و گزینش یک نفر را به خود مردم واگذار کرده است تا بر اساس ویژگیها و شرایطی که شارع معین فرموده... برگزینند (آصفی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۹)

ناگفته نماند پذیرش انتخابات در نظام اسلامی و ولایی بهمعنای اصالتدادن به عقل بشری و رأی مردم در مقابل وحی نیست، بلکه معنای آن احترام به ارزش عقل در پذیرفتن وحی و نیز آزمون عقل در گرویدن به وحی است و به همین دلیل است که اگر در موردی به دلیل انحرافات مکتبی، موازین اسلامی، مورد تأیید افکار و آرای عمومی قرار نگرفت، ارزش و حقانیت خود را هرگز از دست نخواهد داد (عمید زنجانی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳).

نظر افراطی مخالف در مورد نفس شرکت مردم در انتخابات، از سوی شخصی وهابی است که اخیراً در اظهار نظری اعلام داشته است که اصولاً شرکت در انتخابات از نظر شرعی حرام است و دلیل آن یکی شرکت زنان در انتخابات و دیگری به علت

تشبه به کفار است!۵ در مورد موضوع انتخابات از منظر فقه، مسائل مختلفی قابل طرح است و کم و بیش

در این خصوص تحقیقاتی به انجام رسیده و زوایایی از آن بررسی شده است. در این تحقیق در نظر داریم پس از واکاوی لغوی و اصطلاحی انتخابات، ماهیت، حکم شرعی و ادله شرکت در انتخابات در حکومت اسلامی از منظر فقه مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم انتخابات

انتخابات در لغت، جمع انتخاب از مصدر «نخب بهمعنای اختیارکردن و برگزیدن آمده و بهمعنای «انتقاء» به کار رفته است (معلوف، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۷۵۱-۷۵۲) در «فرهنگ ابجدی» عربی - فارسی بهمعنای اصطلاحی آن اشاره شده و به «روشی دموکراسی که در گرفتن رأی انتخابی از مردم برای برگزیدن نمایندگان مجلس یا ریاست جمهوری برابر با قوانین و مقررات» اطلاق شده است (مهیار، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۳۹) یکی از حقوقدانان، انتخابات را یکی از فنون گزینش نمایندگان قلمداد کرده و آن را به

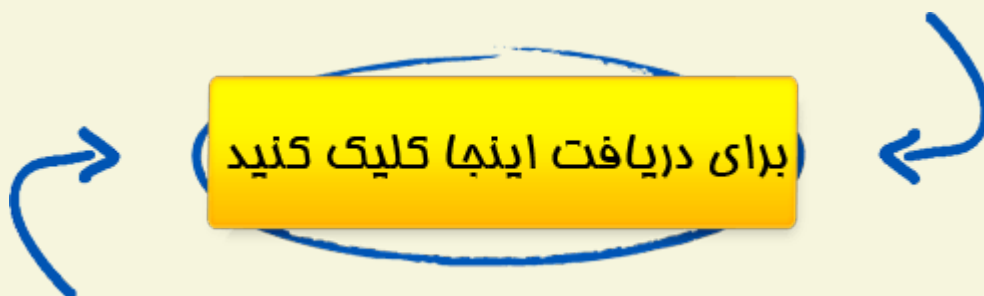
یاردکان افضلملک محسن /اسلام سیاسی فقه منظر از «انتخابات در شرکت» حکم و ماهیت

«مجموعه عملیاتی که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهارکردن قدرت، تدبیر شده است» تعریف کرده است (قاضیشریعتپناهی، ۱۳۷۲، ص. ۶۷۸) آیهالله جوادی آملی در بیان مفهوم انتخابات و فرق آن با وکالت میگوید:

کلمه انتخاب، اگر بهمعنای نخبهگیری و برگزیدن باشد، با نصب و ولایت و تولی والی منصوب، سازگار استانتخابی. که احياناً در تعبیرهای دینی آمده است، غیر از اصطلاح رایج مردم است. انتخاب در عبارتهای دینی، همسان «اصطفاء» و «اجتباء» و «اختیار» است و امت نیز که والی منصوب را انتخاب می کنند، بهمعنای قرآنی و روایی آن است و کاری به وکالت ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۴۰۳).

ماهیت انتخابات

در مورد ماهیت انتخابات این سؤال قابل طرح است که شرکت در انتخابات، «حق» است یا «حکم»؟ پذیرش هر یک از این ماهیات، آثار و احکام متفاوتی در پی دارد. برای پاسخ به این سؤال، طی دو مرحله، ابتدا موضع حقوق؛ یعنی نگاه قانونگذار اساسی و سپس موضع فقه را جویا می شویم. از جهت حقوقی، بر اساس ذیل اصل ۵۶ قانون اساسی، حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی شان - که شرکت در انتخابات، مصداق بارز آن است - «حق الهی و خداداد» خوانده شده است. روی دیگر این سکه، «تکلیف» دولت در محترم شمردن این حق و فراهم سازی اعمال آن از سوی مردم است. این امر در قسمت پایانی اصل «نهم» قانون اساسی اینگونه متبلور شده است که: «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» بدیهی است که حق شرکت در انتخابات از مصادیق آزادیهای مشروع مردم است. علاوه بر اینکه در بند ۸ اصل دوم نیز با صراحت و تأکید بیشتری، دولت موظف شده است، تمام امکانات خود را برای «مشارکت عامه و تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به کار برد.



مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله احکام حکومتی و منطقه ۰۰ الفراغ با تکیه بر اندیشه های فقهی شهید صدر](#)
- [دانلود مقاله نظریه اطاعت از حاکم جائز در فقه سیاسی اهل سنت](#)
- [دانلود مقاله عرفان و راه برون رفت از بحران سیاسی در اندیشه سیاسی قطب الدین نیریزی](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت پیپر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)

